

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا
سال بیست و چهارم، دوره جدید، شماره ۲۴، پیاپی ۱۱۴، زمستان ۱۳۹۳

محکمه‌ی یارغو؛ پژوهشی در باب محکمه‌ی قضایی ایلخانان مغول

جعفر نوری^۱
علی اکبر کجباغ^۲
فریدون الهیاری^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۳

تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۴/۴

چکیده

یارغو محکمه‌ی قضایی اختصاصی مغولان بود که برای حل دعاوی و اختلافات در زمینه‌های مختلف، در بیشتر نواحی امپراتوری مغولان، از جمله ایلخانان ایران (۶۵۴ - ۷۵۰ ه.ق) تشکیل می‌شد. این محکمه که بیشتر در مورد جرایم سیاسی و بعضی جرایم اقتصادی و اجتماعی تشکیل می‌شد، در اردوهای نظامی مغولان برگزار می‌شد. در این محکمه، با اعمال شیوه‌های مشابه با شیوه‌ی محاکم اسلامی

۱. دانش‌آموخته‌ی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه اصفهان. nouri.jafar21@yahoo.com

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان. aliakbarkajbaf@yahoo.co.uk

۳. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان. f.allahyari@ltr.ui.ac.ir

مبتنی بر اصل شهادت شهود و گواهی، اعتراف گرفتن با شکنجه و ارائه‌ی اسناد مکتوب، جرایم افراد خاطی و گناهکار را بررسی می‌کردند و در مورد جرم افراد خاطی، براساس یاسا حکم صادر می‌نمودند. افرادی با عنوان یارغوچی در صدر این محکمه قرار می‌گرفتند. یارغوچیان که بیشتر از امیران و شاهزادگان مغولی انتخاب می‌شدند، براساس قوانین مغولی که از یاسای چنگیزی نشئت می‌گرفتند، حکم صادر می‌کردند. شرط رسیدن به منصب یارغوچی، داشتن تسلط بر یاسای چنگیزی بود.

در این نوشتار، با بررسی متون دوره‌ی ایلخانی، به تبیین این محکمه، چگونگی برگزاری آن و شیوه‌ی محاکمه در آن می‌پردازیم تا از این طریق، پرتوی هرچند اندک بر تاریخ نظام قضایی ایران می‌اندازیم.

واژگان کلیدی: یارغو، یارغوچی، مغولان، یاسا، ایلخانان، محکمه، قضا.

۱. مقدمه

هجوم مغولان به ایران سرآغاز تغییراتی در زندگی ایرانیان بود؛ به طوری که ردپای این تغییرات در تمامی عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی دیده می‌شود. حوزه‌ی نظام قضایی نیز همچون حوزه‌های دیگر، از این حمله بی‌تأثیر نماند و تغییراتی کرد. هرچند نظام قضایی مبتنی بر شریعت اسلامی در عصر ایلخانی به حیات خود ادامه داد، نظام قضایی مغولان نیز همگام با نظام قضایی ایرانی اسلامی رواج یافت و در بسیاری از محاکم و دعوی، به ویژه در جایی که یک طرف دعوی فردی مغولی یا دستگاه حاکمیت مغولی ایلخانان بود، محاکم قضایی مغولان مرجع صدور حکم و دادرسی بود. یارغو یکی از سنت‌های قضایی مغولان و نوعی محکمه‌ی قضایی بود که با ورود مغولان به خاک ایران

تا پایان عصر ایلخانان، مرجع قضاوت و دادرسی در مورد موضوعات مختلف بود. این محکمه با وجود مسلمان شدن ایلخانان، از دوران غازان به بعد تا پایان عصر ایلخانان، به حیات خود ادامه داد و مرجع قضاوت و داوری میان مغولان یا میان مغولان و مسلمانان بود. یارغوچیان به عنوان قاضیان این محکمه، معمولاً از بین افرادی انتخاب می شدند که با یاسای چنگیزی آشنایی کافی داشته باشند؛ زیرا یاسا قانون نامه‌ی مغولان و مرجع صدور حکم در محکمه‌ی یارغو بود.

پرسش اصلی پژوهش این است که محکمه‌ی یارغو به چه شیوه‌ای و براساس چه اصولی برگزار می شد. از رهگذر این پرسش اصلی، پرسش‌های فرعی زیر نیز مطرح می شود:

۱. ملاک قضاوت یارغوچیان در محاکم یارغو چه بود؟

۲. یارغو درباب چه موضوعاتی برگزار می شد؟

۳. یارغوچی که بود و چگونه به این شغل منصوب می شد؟

فرضیه‌ی پژوهش این است که محکمه‌ی یارغو بیشتر هویت نظامی داشت و یارغوچیان بیشتر از طبقه‌ی نظامیان بودند و این محکمه بیشتر درباب مسائل سیاسی و حکومتی و گاهی درباب مسائل اجتماعی و اقتصادی برگزار می شد. در این پژوهش، از روش تحقیق تاریخی و شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی استفاده کرده ایم.

۲. پیشینه‌ی تحقیق

گرچه در مورد محکمه‌ی یارغو، در منابع تاریخی عصر ایلخانان اطلاعات و گزارش‌های خوبی یافت می شود و این پژوهش براساس این اطلاعات و داده‌ها پایه‌ریزی و نوشته شده است، تاکنون در بررسی‌های مربوط به مطالعات تاریخی عصر ایلخانان، پژوهش مستقلی با عنوان یارغو انجام نشده است. بیشتر مطالب ارائه شده توسط پژوهشگران، کوتاه و بدون ارائه‌ی تحلیل است. از میان پژوهشگران خارجی، لمبتون در کتاب *تداوم و تحول در تاریخ میانه‌ی ایران*، توضیحات مختصری در مورد این محکمه بیان کرده و بدون ارائه‌ی تحلیل، تنها به لیست کردن یارغوهای ذکر شده در منابع عصر ایلخانی پرداخته است. برتولد اشپولر،

محقق آلمانی، در کتاب *مغولان در ایران*، در بخش نظام قضایی و زیر عنوانی به نام «یارغو»، مطالب مفصل‌تری در مورد این محکمه ارائه کرده است و علاوه بر ذکر یارغوها، به طور مختصر به شیوه‌ی محاکمه در این دادگاه و یارغوچیان اشاره کرده است. هرچند این اشارات قابل توجه هستند، برای روشن کردن زوایای مبهم این محکمه‌ی قضایی عصر ایلخانان کافی نیستند.

از میان پژوهشگران ایرانی، محمدحسین ساکت در کتاب *نهاد دادرسی در اسلام*، در حد چند سطر، تنها به معنای لغوی واژه‌ی یارغو و موضوعات مورد بررسی در این محکمه اشاره کرده است. وی در باب یارغو، تنها به ذکر این نکته بسنده کرده است که در آن، به بزه‌های سیاسی و بزه‌هایی که کارمندان هنگام خدمت مرتکب می‌شدند، براساس یاسا رسیدگی می‌کردند (ساکت، ۱۳۶۵: ۱۲۵).

هاشم رجب‌زاده در کتاب *آیین کشورداری در عهد خواجه رشیدالدین فضل‌الله*، در حد یک صفحه، دیوان یارغو را معرفی و به موضوعات مورد بررسی در این محکمه به‌طور کوتاه اشاره کرده است که تکرار مطالب ساکت هستند (رجب‌زاده، ۲۵۳۵: ۲۴۳-۲۴۴). با توجه به اینکه در تحقیقات جدید، یارغوچیان، پایگاه و خاستگاه آن‌ها و شیوه‌ی قضاوت در محکمه بررسی نشده است، در این مقاله، با استناد به منابع دست اول، موضوعات یادشده را تحلیل می‌کنیم.

۳. یارغو: ریشه‌ی لغوی

یارغو، واژه‌ای ترکی مغولی و اصطلاحی تاریخی است که در فرهنگ لغت‌ها و کتب تاریخی، به معنای مؤاخذه، پرسش گناه و تفتیش آمده است (عمید، ۱۳۶۴: ۱۹۹۰؛ دهخدا، ۱۳۲۵: ۶۶-۶۷). تلفظ آن به صورت *yaryu* است (مدبری، ۱۳۷۶: ۶۰۸). افعال مرکب این واژه (به یارغو رفتن، یارغو داشتن) که در منابع تاریخی و ادبی نیز به کار رفته‌اند، به معنی برپا داشتن مجلس محاکمه، استنطاق و بازجویی هستند (خاتمی، ۱۳۸۰: ۱۹۳). هندوشاه نخجوانی یارغو و قواعد آن را از مخترعات دولت چنگیز و سلاطین مغول می‌داند (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۱/۳۰).

یارغوهای اشاره شده در منابع تاریخی عصر ایلخانان، به دستور پادشاه یا مقامات بلند پایه، چون وزیران و فرماندهان مغولی و بیشتر در اردوهای نظامی تشکیل می شدند؛ بنابراین، یارغو یک محکمه قضایی برای رسیدگی به موارد خاص و مختص مغولان بود و به ندرت در میان ایرانیان و عوام مسلمان رواج داشت (ساکت، ۱۳۶۵: ۱۲۵؛ رجبزاده، ۲۵۳۵: ۲۴۳-۲۴۴).

با این تفاسیر، این محکمه در منابع ادبی که به نوعی بازتاب ذهن و زبان مردم در هر عصری است، کاربرد چندانی نداشته است. با اینکه در دوره ایلخانی، کنار نظام قضایی مغولان و محاکم قضایی خاص آنها، نظام قضایی مبتنی بر شریعت اسلامی رواج داشت و حل و فصل دعاوی بین عوام به وسیله ی این محاکم اسلامی صورت می گرفت، یارغو که یک محکمه ی خاص مغولان بود، بین عوام ایرانی جایگاهی نداشت. البته، این محکمه ی قضایی از نظر شاعرانی چون سعدی و حافظ دور نمانده است. سعدی که زمان کوتاهی بعد از ورود مغولان به ایران، آثار خود را نگاشته است، مفهوم یارغو را در اشعار خود چنین نقل می کند:

گر بی وفایی کردم یارغو به قآن بردمی کان کافر اعدا می کشد این سنگدل جناب را
(سعدی، ۱۳۴۰: ۴۵۶)

سعدی دگر بار از وطن عزم سفر کردی چرا از دست آن ترک خطا یارغو به قآن بردمی
(همان: ۳۴۵)

سعدی در هردو بیت، یارغو را به معنی محکمه و شکایت به کار می برد و مرجع این شکایت را قآن می داند. قآن کلمه ای مغولی، به معنی شاهنشاه و در واقع لقب پادشاهان مغول است. او از این طریق، مغولی بودن این محکمه را تأیید می کند. حافظ در یکی از غزل هایش چنین می سراید:

عاشق از قاضی نترسد می بیار
بلکه از یرغوی دیوان نیز هم

(حافظ، ۱۳۶۲: ۳۵۵)

حافظ نیز این واژه را به معنی محکمه به کار برده است.

۴. موضوعات مورد بررسی در یارغو

پرسش نخست درباره‌ی محکمه‌ی یارغو این است که درمورد چه موضوعاتی تشکیل می‌شد و آیا علاوه بر مسائل سیاسی، صلاحیت رسیدگی به جرایم اقتصادی و اجتماعی را نیز داشت. با اینکه در نگاه نخست، برگزاری یارغو برای رسیدگی به جرایم سیاسی است، گستره‌ی موضوعات مورد بررسی در آن تنها به جرایم سیاسی، یعنی فتنه‌ها و شورش‌ها علیه پادشاه و دستگاه حاکمیت ایلخانی، محدود نمی‌شد و موارد دیگری، از جمله مسائل اقتصادی و اجتماعی را نیز دربر می‌گرفت. گرچه نگارنده موضوعات مورد بررسی در یارغو را دسته‌بندی کرده است، به نظر می‌رسد که در یاسای مغولی، حیطه‌ی موضوعات مورد بررسی در یارغو مشخص نشده بود و فرمان تشکیل یارغو در اختیار ایلخان بود. گاهی اوقات، وزیر نیز می‌توانست یارغو تشکیل دهد؛ چنانکه تاج‌الدین ارغوداق را به فرمان وزیران سعدالدین و رشیدالدین، به یارغو کشیدند (القاشانی، ۱۳۴۸: ۴۹-۵۰).

۴-۱. مسائل سیاسی

بیشتر موضوعات مورد بررسی در یارغوها، مسائل سیاسی بودند. این موضوعات گاهی درارتباط با مصر و گاهی درارتباط با محاکمه‌ی عاملان فتنه‌ها و شورش‌ها علیه دولت ایلخانی بودند. ارتباط با مصر یک مسئله‌ی مهم امنیتی بود؛ زیرا سرزمین‌های مصر بزرگ‌ترین و مهم‌ترین دشمن دولت ایلخانی بودند و ارتباط دشمنان داخلی با این سرزمین‌ها کیان دولت ایلخانی را به خطر می‌انداخت و گناهی نابخشودنی به شمار می‌رفت. در منابع دوره‌ی ایلخانی، با موارد متعددی از این یارغوها مواجه می‌شویم. امیر نوروز و برادرش به جرم ارتباط با مصریان به یارغو کشیده شدند و فرمان قتلشان صادر شد (یزدی، ۱۳۸۷: ۱/۱۸۹). شهاب‌الدین سهروردی در سال ۷۰۸ ه.ق، به اتهام ارتباط با مصریان به یارغو کشیده شد و مورد محاکمه قرار گرفت (القاشانی، ۱۳۴۸: ۷۶). جمال‌الدین دستجردانی به جرم ارتباط با ممالیک مصر و همکاری با امیر نوروز در مسئله‌ی ارتباط با مصریان، به یارغو کشیده شد (رشیدالدین، ۱۳۳۸: ۲/۱۰۰۸).

حکام محلی و فرماندهانی که علیه حاکم ایلخانی توطئه یا شورش می کردند و یا رعیت از آن‌ها به دربار ایلخان شکایت می نمودند نیز به یارغو کشیده می شدند. آبخ خاتون حاکم سلغوریان فارس، شاه جهان حاکم کرمان که علیه غازان شورش و محصلان مالیاتی غازان را دستگیر و زندانی کرده بود (القاشانی، ۱۳۴۸: ۴۳)، اتابک تکه حاکم اتابکان لر بزرگ به دلیل فرار از اردوی هلاکو و توطئه‌ی مخفیانه علیه ایلخان (نطنزی، ۱۳۳۶: ۴۳)، دو تن از فرماندهان نظامی به نام‌های ایسن تیمور و قورمیشی (برادر بارولا) به دلیل همکاری در توطئه‌ی سوکا علیه غازان (رشیدالدین، ۱۳۳۸: ۹۹)، سیف‌الدین بتیکچی (وزیر هلاکو خان)، خواجه عزیز گرجی و خواجه مجدالدین تبریزی به تحریک ایقاقان (رشیدالدین، ۱۳۳۸: ۷۲۰ / ۲) و رکن‌الدین ابوالمظفر حاکم قراختیایان کرمان به دلیل تمایل به مخالفان اوکتای قآن (منشی کرمانی، ۱۳۶۲: ۳۵) به یارغو کشیده شدند.

گاهی اوقات، یارغو جنبه‌ی مشروعیت بخشی به اقدامات پادشاه داشت. در متون تاریخی عصر ایلخانی، یارغوهایی وجود دارند که به دنبال جلوس خان بر تخت ایلخانی، تشکیل می شدند. در این یارغوها، مدعیان سلطنت و طرفداران ایلخان قبلی محاکمه می شدند. این یارغوها نوعی تسویه حساب سیاسی با معارضان و دشمنان بالقوه و شیوه‌ای برای محکم کردن پایه‌های قدرت بود. کیوک به محض جلوس بر تخت سلطنت، افراد خطرناکی چون فاطمه خاتون را به یارغو کشاند (جوینی، ۱۳۸۷: ۱ / ۴۲۶) و منگوقاآن بعد از جلوس بر تخت سلطنت، با برگزاری یارغو، با پسران کیوک که هنوز برای حاکمیت او خطرناک بودند و سلطنت را حق خود می دانستند، تسویه حساب کرد (میرخواند، ۱۳۷۳: ۸۷۳؛ جوینی، ۱۳۸۷: ۱ / ۳۵۰). به نظر می رسد که برگزاری این گونه یارغوها از حاکمان اولیه‌ی مغولی به ایلخانان رسیده است. یکی از یارغوهایی که در عصر ایلخانان به این شکل برگزار می شدند، یارغوی بعد از جلوس گیخاتو است که خواجه رشیدالدین فضل‌الله درباره‌ی آن می نویسد: «[...] روز یکشنبه بیست و چهارم رجب سنه‌ی تسعین و ست‌مائه، موافق بیست و پنجم‌النتیج آی تولی ییل، در حدود اخلاط شهزاده گیخاتو را به مبارکی و طالع سعد بر تخت پادشاهی نشاندند. بعد از آنکه از طوی و عشرت فارغ شدند، در اول شعبان تمامت امرا را گرفتند و آغاز یارغو کردند [...].» (رشیدالدین همدانی، ۱۳۳۸: ۲ /

۸۳۰-۸۳۱). نکته‌ی جالب این است که این یارغو با عنوان تفتیش از حادثه‌ی برادرش ارغون خان و قتل امرا و وزرا صورت گرفت. غازان خان نیز بعد از جلوس بر تخت سلطنت، برای امرای مجرم بایدو محکمه‌ی یارغو تشکیل داد. در این یارغو، امیر نوروز، نورین و فتلغشاه درباب امرای بایدو تفحص کردند (همدانی، ۱۳۶۸: ۲/۹۵۰). هم گیخاتو و هم غازان با این اقدام خود، امرا و فرماندهانی را که قدرت بالقوه و خطرناک داشتند، محاکمه و تصفیه کردند. در منابع عصر ایلخانی، با یارغوهایی مواجه می‌شویم که بعد از پایان جنگ‌ها تشکیل می‌شدند. پادشاه با برگزاری این یارغوها، مقصران جنگ را تنبیه می‌کرد و به‌نوعی مسئولیت شکست جنگ یا هرگونه اهمال را از خود دور می‌کرد؛ چنانکه غازان بعد از جنگ با مصریان و شکست خوردن از آن‌ها، برای مجازات مسببان این شکست یارغو تشکیل داد (همدانی، ۱۳۶۸: ۱۴۹-۱۵۰؛ خوافی، ۱۳۴۰: ۴). الجایتو نیز بعد از پایان جنگ با گیلانی‌ها، برای فرماندهانی که در جنگ کوتاهی کرده بودند، یارغو تشکیل داد و آن‌ها را محاکمه کرد (حافظ ابرو، ۱۳۵۰: ۷۶؛ قاشانی، ۱۳۴۸: ۷۲). امیر چوپان، فرمانده‌ی سپاه سلطان ابوسعید، بعد از پایان جنگ با الوس جغتای، برای امیران فراری یارغو تشکیل داد و آن‌ها را مجازات کرد (یزدی، ۱۳۸۷: ۱/۵۴۶).

۲-۴. مسائل مالی

گاهی اوقات، برای محاکمه‌ی متهمان اختلاس‌های مالی یا مسائل مالیاتی نیز یارغو برپا می‌شد. یکی از یارغوهایی تشکیل شده درباب مسائل مالی، یارغویی است که برای رسیدگی به اتهام اختلاس مالی عظاملک جوینی، حاکم بغداد در عصر هلاکو، برگزار شد (جوینی، ۱۳۸۷: ۹۰۰-۹۰۱). سعدالدین و رشیدالدین، وزیران الجایتو نیز به جرم اختلاس به یارغو کشانده شدند. این اتهام ازسوی شخصی به نام تاج‌الدین گورسرخی به این دو وزیر وارد شد (وصاف شیرازی، ۱۳۷۲: ۲۵۵-۲۵۶). عزالدین مظفر، مستوفی فارس، به شیخ‌السلام جمال‌الدوله ابراهیم‌بن محمد الطیبی ملک‌الاسلام و یکی از تجار متمول که اقطاع زیادی در فارس داشت، اتهام اختلاس مالی زد و در یارغو به این مسئله رسیدگی شد (وصاف شیرازی، ۱۳۷۲: ۹۰).

۳-۴. مسائل اجتماعی

گاهی اوقات، مسائل اجتماعی و دعوی درباب این امور نیز از طریق محکمه‌ی یارغو حل و فصل می‌شد. برگزاری یارغو برای مسائل اجتماعی، خیلی کمتر از تشکیل یارغو برای جرم‌های مالی و سیاسی بود. به نظر می‌رسد در دوران حاکمیت ایلخانان در ایران، یاسا و قوانین اجتماعی مغولان دیگر در عرصه‌ی اجتماعی کاربردی نداشتند و تاحدودی کم کم به فراموشی سپرده شدند؛ زیرا این قوانین که در سرزمین اولیه‌ی آن‌ها برای مقابله با بی‌نظمی‌ها و اغتشاشات اجتماعی و هرج و مرج‌ها به کار می‌رفتند، در این دوران تاحدودی کارکرد خود را ازدست داده بودند. هلاکو و جانشینانش اندیشه‌ی ملکداری را جایگزین اندیشه‌ی جهانگشایی و فتوحات کرده بودند و با تثبیت حکومت ایلخانی و برقراری یک امنیت نسبی، تاحدودی از آشوب‌ها و هرج و مرج‌ها کاسته بودند؛ بنابراین، ضرورتی مبنی بر وجود یاسای چنگیزی احساس نمی‌شد و یارغو که محکمه‌ی خاص مغولی و براساس قوانین یاسا بود، بسیار کم درباب مسائل اجتماعی برگزار می‌شد (برفروخت، ۱۳۹۱: ۵۱-۵۸).

مسائل اجتماعی بیشتر از طریق یاسا حل و فصل می‌شد و مجازات‌های اجتماعی در یاسا ذکر شده است؛ به همین دلیل درباب مسائل اجتماعی به ندرت یارغو برگزار می‌شد. یکی از یارغوهای برگزارشده درباب این مسائل که در منابع تاریخی این دوره به آن اشاره شده، یارغوی سحر و جادو است. مغولان به نقش شیاطین و ارواح و سحر و جادو اعتقاد زیادی داشتند و چون بسیار از سحر و جادو می‌ترسیدند، متهم به این کار طبق «یاسانامه» مجازات سختی می‌شد. فاطمه خاتون، ندیمه‌ی توراکینا خاتون (همسر اوکتای قاآن)، به جرم ساحری در یارغو به جادوگری متهم شد و او را در آب خفه کردند (جوینی، ۱۳۸۷: ۲۰۰-۲۰۱). مجدالملک یزدی، وزیر و رقیب جوینی نیز در عصر احمد تکودار به اتهام جادوگری به یارغو کشیده شد (همدانی، ۱۳۳۸: ۲/۷۸۷). رشیدالدین فضل‌الله در تاریخ غازانی، از یارغوی شراب اسم می‌برد و می‌نویسد که بنابر دستور غازان خان، کسانی را که شراب می‌خوردند و در مجامع و خیابان‌ها عربده کشی می‌کردند و افرادی را که به دلیل ازهم گسیختگی اوزان و نامنظم بودن آن‌ها تقلب می‌کردند، به یارغو می‌کشیدند (همدانی،

۱۳۶۸: ۳۲۶-۳۳۶). یک مورد دیگر در باب موضوعات اجتماعی، یارغوی زمینی در کرمان بود. در این یارغو، در مورد مسئله‌ی مالکیت سرزمین سیرجان بین مردم شبانکاره و قراختیایان، تحقیق و تفحص انجام شد. این یارغو که در دوران هلاکو آغاز شد، در دوران اباقا به نتیجه رسید (تاریخ شاهی، ۱۳۵۵: ۸۹؛ لمبتون، ۱۳۷۲: ۹۴-۹۵).

۵. یارغوچی

واژه‌ی مغولی یارغوچی در فرهنگ لغت‌ها، مصداق قاضی است. یارغوچی کسی بود که در دادگاه یارغو قضاوت می‌کرد. متأسفانه در مورد این منصب، وظایف و جایگاه آن، در منابع تاریخی عصر ایلخانان اطلاعات دقیقی وجود ندارد. به نظر می‌رسد که یارغوچیان برخلاف قاضیان در جهان اسلام، پایگاه مذهبی نداشتند و مشروعیت خود را از مذهب نمی‌گرفتند؛ زیرا در هیچ‌یک از منابع تاریخی عصر ایلخانان، شواهدی مبنی بر این مسئله وجود ندارد. برخلاف قاضیان که حوزه‌ی کاری و وظایف آن‌ها بسیار گسترده بود و بسیاری از وظایف و حوزه‌ها همچون اوقاف، اجرای وصیت مردگان، حسبه و ...، با دادرسی و وظیفه‌ی قضایی آن‌ها ارتباطی نداشت و تنها برحسب عرف به نظام قضایی و نهاد دادرسی پیوست شده بود، یارغوچیان فقط وظیفه‌ی داوری در محکمه‌ی یارغو را برعهده داشتند (ساکت، ۱۳۶۵: ۲۱۷-۲۱۸). با سیری در منابع تاریخی عصر ایلخانان درمی‌یابیم که اشخاص در جامعه‌ی مغولی و بعدها ایلخانی، به سه شیوه یارغوچی می‌شدند. دسته‌ی نخست عده‌ای بودند که برای یک دوره‌ی زمانی، از سوی ایلخان یا قاآن به این شغل منصوب می‌شدند. این افراد ممکن بود قبل از انتصاب، شغل دیگری داشته باشند. نمونه‌ی بارز انتصاب یارغوچی به این شیوه، فرمان‌های انتصاب یارغوچیان است که در *دستورالکاتب نخجوانی* آمده است. در فصل چهارم این کتاب، در باب تفویض امارت یارغو، از امیران نظامی سخن به میان می‌آید که برای مدت مشخصی به منصب امارت یارغو اردو منصوب شده‌اند. در فرمان اول، یانتمور که امیری نظامی است، به‌عنوان یارغوچی منصوب شده است: «مقدمه‌ی راه امارت یارغو در اردوی معظم با یانتمور بخشی که از قدمای امرای مغول است» (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۳۰-۳۳). در فرمان دوم، بایان که از امیران

نظامی است، یارغوجی شده است: «و چون امیر بایان بوفور کفایت و کاردانی و درایت رسوم و قواعد سلاطین و امرای مغول و دانستن یاساقها و تورهای ایشان از جمیع امرای زمان سرآمدست راه امارت یارغو و تفحص قضایای مغولان که فطرت و نشئت ایشان بر آنست بدو تفویض کرده شد» (همان).

دسته‌ی دوم عده‌ای بودند که به صورت ارثی و طایفه‌ای منصب یارغوجی داشته‌اند؛ برای نمونه، خواجه رشیدالدین فضل‌الله از خاندانی مغولی خبر می‌دهد که بیشتر افراد آن منصب یارغوجی داشته‌اند:

و این سورغان پسری داشته کوجو نام و کوجو را پسران بوده‌اند و از آن جمله یکی بوقای یارغوجی و پسران او توفتیمور و الغو و ایسنبوقا بودند و پسران دیگر کوجو جونجی باروجی و مصطفی بیتکجی نویان در حیات قآن یارغوجی بوده و قدان پسر ارغتو همو خویش ایشان بوده و تودای یارغوجی همچنین (همدانی، ۱۳۳۸: ۱/۱۳۸).

در تاریخ تحریر و صاف نیز به بوقا و منصب او، یعنی یارغوجی، اشاره شده است (وصاف شیرازی، ۱۳۷۲: ۲۶۸). به نظر می‌رسد که این افراد منصب و شغل دیگری نداشته‌اند و فقط یارغوجی بوده‌اند؛ یعنی یارغوجی شغل خانوادگی و ارثی آن‌ها بوده است.

دسته‌ی سوم افرادی بودند که از سوی قآن یا ایلخان برای برگزاری و تشکیل محکمه‌ی یارغو در مورد شخص خاصی که معمولاً از افراد مهم بود، به عنوان یارغوجی انتخاب می‌شدند. با پایان یافتن محکمه‌ی یارغو، این منصب نیز از فرد مورد نظر سلب می‌شد؛ به عبارت دیگر، منصب یارغوجی در این مورد بیشتر به عنوان یک مأموریت مطرح بود. بیشتر افرادی که در این گونه مواقع به عنوان یارغوجی منصوب می‌شدند، از امرای نظامی و شاهزادگان بودند. او کتای قآن، منکسار نویان، یکی از شاهزادگان مغولی را به عنوان یارغوجی برای به یارغو کشیدن فرزندان شورشی کیوک انتخاب کرد (جوینی، ۱۳۸۷: ۱/۳۰۰) و یارغوجی محکمه‌ی یارغوی اریق بوکا، برادر منکوقاآن که علیه منکوقاآن شورش کرده بود، جمعی از شاهزادگان بودند (جوینی، ۱۳۸۷: ۱/۴۵۶). احمد تکودار، سونجاق آقا و اروق آقا، از امرای بزرگ را مأمور کرد که یارغوی مجدالملک

یزدی را برپا کنند (همدانی، ۱۳۳۸: ۷۸۷/۲). گاهی وقت‌ها، خود پادشاه در مسند یارغوچی حاضر می‌شد و به تفتیش و تفحص می‌پرداخت؛ چنانکه خود گیخاتو در یارغویی که بعد از جلوسش برای رسیدگی به اتهامات افراد خاطی تشکیل داد، به‌عنوان یارغوچی حاضر شد و به قضاوت پرداخت (همدانی، ۱۳۳۸: ۵۶۷). غازان خان در محکمه‌ی یارغوی شیخ‌السلام جمال‌الدوله ابراهیم‌بن محمد الطیبی و ملک‌الاسلام که از سوی محمد مظفر به اختلاس متهم شده بودند، در مسند یارغوچی به قضاوت پرداخت (وصاف شیرازی، ۱۳۷۲: ۳۰۶).

به‌نظر می‌رسد که محل تشکیل یارغو در اردوهای نظامی بود و تمام کسانی که مرتکب تخلفی می‌شدند باید به اردوی نظامی می‌رفتند و مورد استنطاق و یارغو قرار می‌گرفتند. هندوشاه نخجوانی در حکم انتصاب ایانتمور به امارت یارغو می‌نویسد: «حکام ولایات و جماعت لشکریان مغول ایانتمور بخشی را امیر یارغو در اردوی معظم دانسته و جماعت مغولان که رفع قضایا بر او کنند» (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۳۳/۲). در اواخر عصر ایلخانان، نام منصب یارغوچی به «امارت یارغو» تغییر یافت. با سیری در منابع تاریخی عصر ایلخانی درمی‌یابیم که منصب یارغوچی به مغولان اختصاص داشت؛ به‌طوری که بعد از فتح سرزمین‌های همسایه و متمدن، همچنان در اختیار مغولان قرار داشت و افراد غیرمغولی نمی‌توانستند به آن برسند. نخجوانی که کتاب خود را در اواخر عصر ایلخانی به نگارش درآورده است، منصب امارت یارغو را در ردیف مناصبی ذکر می‌کند که به امرای مغول و اتباع آن‌ها اختصاص داشتند؛ بنابراین، نتیجه می‌گیریم که این شغل و منصب تا اواخر عصر ایلخانان در اختیار مغولان بود (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۱). افراد غیرمغولی به‌دلیل آشنا نبودن با یاسای چنگیزی که اساس قضاوت و صدور احکام در دادگاه یارغو بود، نمی‌توانستند این منصب را در اختیار داشته باشند.

از آنجا که یارغو دادگاهی خاص مغولان و از سنت‌های قضایی آن‌ها بود، یاسای چنگیزی مبنای صدور حکم و قضاوت یارغوچیان بود. حتی اگر محکمه‌ی یارغو برای مسلمانان ایرانی برگزار می‌شد، در صدور حکم و نوع مجازات، یاسای چنگیزی ملاک قضاوت قرار می‌گرفت؛ برای نمونه، مجدالملک یزدی را که غیرمغولی بود و در یارغو

محکوم شده بود، طبق یاسای مغولی، به جرم سحر و جادو قطعه قطعه کردند. به نظر می‌رسد که اساس رسیدن به منصب یارغوچی، تسلط بر یاسا بوده است. هندوشاه نخجوانی آشکارا به این موضوع اشاره می‌کند و می‌نویسد:

همچنانکه اهل اسلام در اختلاف میان طوایف انام رجوع به شریعت شریفه‌ی محمدی می‌کنند، مرجوع اقوام مغول نیز در قضایا با یارغو بوده است تا غایت بر آن تیره استمرار و بر آن قانون استقرار می‌نمایند و آن قاعده‌ی ایشان را شرعی مؤکد و طریقی مسلوک است تا به وجهی در قوتاتغوبلیک چنگیز خانی دیده و خوانده و از اکابر یارغوچیان دیده به تفتیش قضایای مغول مشغول شده» (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۲ / ۳۰).

۶. شیوه‌ی محاکمه در یارغو

شیوه‌ی محاکمه در دادگاه یارغو برپایه‌ی ارائه‌ی مدرک و شواهد بود و جرم شخص مجرم باید براساس ارائه‌ی سند و مدرک به شیوه‌های گوناگون ثابت می‌شد. البته، گاهی یارغو به نتیجه نمی‌رسید و جرم ثابت نمی‌شد؛ مانند یارغوی رفع اختلافات ادکوتیمور فرزند جنتمور و گرکوز (جوینی، ۱۳۸۷: ۲ / ۲۶۶-۲۶۷) و یارغوی اختلاس سعدالدین ساوجی که باوجود ثابت نشدن اتهامش، به فرمان الجایتو کشته شد (قاشانی، ۱۳۴۸: ۱۲۴-۱۲۸).

از آنجا که محکمه‌ی یارغو ابزاری در دست ایلخان بود تا با آن رقیبان و دشمنان خود را به شیوه‌ی مشروع از میان بردارد، در دوره‌ی ایلخانان مسلمان، باوجود استقرار نظام قضایی اسلامی و برقراری محاکم قضایی مبتنی بر شرع اسلام، همچنان این محکمه برای رسیدگی به موارد خاص تشکیل می‌شد. نکته‌ی مهم این است که شیوه‌ی محاکمه و روش‌های اثبات جرم در یارغوهای تشکیل شده در عصر ایلخانان مسلمان، با دوره‌ی ایلخانان اولیه تفاوتی نداشت و در کل از یاسای چنگیزی پیروی می‌کردند.

شیوه‌ی محاکمه در یارغو تاحدودی با شیوه‌ی محاکمه در محاکم شرعی و اسلامی شباهت دارد؛ هرچند این شباهت به این معنی نیست که محکمه‌ی یارغو تمامی این اصول و شیوه‌های محاکمه را از محاکم شرعی و اسلامی گرفته است. با مطالعه‌ی یارغوهای تشکیل شده در سرزمین اولیه‌ی مغولان و روش‌های محاکمه در این یارغوها، درمی‌یابیم که

شیوه‌ی اعتراف و شهادت دادن برای اثبات جرم، از همان ابتدا و قبل از آشنایی مغولان با دین اسلام نیز در محاکم یارغو وجود داشت؛ اما شیوه‌ی ارائه‌ی اسناد مکتوب برای اثبات جرم، بعد از آشنایی مغولان با محاکم شرع اسلام و پی بردن به نقش اسناد مکتوب در اثبات جرم رایج شد. با این حال، قوانین حقوقی اسلامی در اجرای بعضی از این شیوه‌ها با قوانین مغولی متفاوت است؛ برای نمونه، براساس قوانین حقوقی اسلامی، گرفتن اعتراف و اقرار از طریق شکنجه مجاز نیست؛ در حالی که مغولان در بیشتر مواقع، برای گرفتن اعتراف از متهم، او را شکنجه می‌کردند.

سه شیوه‌ی اقرار یا اعتراف، گواهی یا شهادت و ارائه‌ی سند در دادگاه یارغو، جزو روش‌های اثبات جرم در محاکم اسلامی نیز بودند؛ هرچند در محاکم اسلامی، روش‌های دیگری چون سوگند خوردن، قرائن یا آماره، کارشناسی، آگاهی قاضی و لعان نیز برای اثبات جرم وجود داشت (ساکت، ۱۳۶۵: ۲۲۹-۲۵۱).

صدور حکم در محکمه‌ی یارغو مبتنی بر اثبات جرم با ارائه‌ی سند و مدرک بود که معمولاً به سه روش زیر انجام می‌شد:

۱-۶. گواهی دادن

اقرار به‌عنوان یکی از دلایل اثبات جرم در جهان پذیرفته شده است. این کار در روم قدیم مشهور بود. اقرار اولین دلیل اثبات دعوی یا جرم است؛ چنانکه به‌عنوان «ملکه‌ی دلایل» تعبیر می‌شود. گاهی اوقات، برای اثبات جرم باید افرادی به‌عنوان شاهد جرم در محکمه‌ی یارغو حاضر می‌شدند و بر جرم فرد متهم شهادت می‌دادند. در این صورت، جرم شخص متهم ثابت و حکم نهایی درمورد او صادر می‌شد. این روش اولین و نخستین راه ممکن برای اثبات جرم متهم در یارغو بود. اگر از این طریق جرم ثابت نمی‌شد، روش‌های دیگری مثل اعتراف گرفتن با ضرب چوب و چماق به کار می‌رفت. زمانی که خواجه رشیدالدین را به جرم قتل الجایتو به یارغو کشیدند، توقتای و دلقندی به اتهام خواجه شهادت دادند و به شهادت این دو نفر برای صدور رأی (قتل خواجه رشیدالدین) استناد کردند (حافظ ابرو، ۱۳۵۰: ۱۲۸). در یارغویی که غازان خان برای رسیدگی به مسئله‌ی توطئه‌ی پیر یعقوب

باغستانی تشکیل داده بود، جرم آقبوقا پسر تایتاق تنها با گواهی و شهادت شاهزاده آلافرنگ ثابت شد (همدانی، ۱۳۶۸: ۱۵۲-۱۵۳). تاج‌الدین گورسرخی که اتهام اختلاس مالی را علیه رشیدالدین و سعدالدین، وزیران العجایتو، مطرح کرده بود، برای اثبات ادعای خود شاهدانی را در محکمه حاضر کرد؛ اما شاهدان از تاج‌الدین تبری جستند و تاج‌الدین به دروغ متهم شد و جاننش را ازدست داد (وصاف شیرازی، ۱۳۷۲: ۲۵۶-۲۵۷).

۲-۶. اعتراف گرفتن

چنانچه متهم در یارغو شهادت شاهدان را نمی‌پذیرفت و یا شخصی برای شهادت دادن پیدا نمی‌شد، می‌کوشیدند به ضرب چوب و چماق از شخص متهم اعتراف بگیرند و با تکیه بر این اعتراف، حکم نهایی را صادر می‌کردند. در یارغوی ایدی قوت، تکمیش غلام بلایتکچی را که حاضر به اعتراف نبود برهنه‌ی مادرزاد کردند و چوب زدند تا اینکه اعتراف کرد (جوینی، ۱۳۸۷: ۱/ ۲۲۵-۲۲۹). فاطمه خاتون که مدت زیادی مشاور اصلی توراکینا خاتون، همسر اوکتای قاآن بود، بعد از مرگ توراکینا خاتون مورد خشم پسرش کیوک قرار گرفت و به جرم سحر و جادو به یارغو کشیده شد و به ضرب چوب و چماق، به سحر و جادو اعتراف کرد (جوینی، ۱۳۸۷: ۱/ ۴۲۶). در یارغوی طوغاسنجق خاتون که به سحر ارغون متهم بود، با ضرب چوب و شکنجه از او اعتراف گرفتند (همدانی، ۱۳۳۸: ۲/ ۸۲۴). در بعضی مواقع که اعتراف حاصل نمی‌شد، فرمان شخص پادشاه تعیین‌کننده بود؛ چنانکه بهاء‌الدین محمد جوینی در یارغو اعتراف نکرد و به دستور ارغون کشته شد.

۳-۶. ارائه‌ی اسناد مکتوب

به‌دنبال استقرار مغولان در کشورهای که در سطح بالایی از تمدن قرار داشتند و اسناد کتبی نقش مهمی در قضاوت‌ها و محاکم آن‌ها داشت، به تدریج اسناد کتبی به جای شهادت شاهدان یا اعتراف، مرجع قضاوت و صدور حکم در یارغوها شدند (اشپولر، ۱۳۷۲: ۳۸۳). رکن‌الدین ابوالمظفر، حاکم قراختاییان کرمان، با توجه به استناداتی محکوم شد که قطب‌الدین، پسرعمو و رقیبش، مبنی بر تمایل او به مخالفان اوکتای قاآن در یارغو ارائه کرد (مشی کرمانی، ۱۳۶۲: ۳۵). در یارغویی که برای برادر امیر نوروز در غیاب امیر نوروز

برگزار شد، نامه‌های امیر نوروز به مصریان را مرجع قرار دادند و با توجه به این اسناد حکم صادر کردند (یزدی، ۱۳۸۷: ۱/ ۱۸۹). در یارغوی شهاب‌الدین سهروردی در سال ۷۰۸ نیز با یافتن اسنادی در مورد ارتباط با مصریان، حکم قتل او صادر شد (قاشانی، ۱۳۴۸: ۸۴). در یارغوی معجدالملک یزدی که به جرم سحر و جادو تشکیل شد، پوست شیری را که در میان اقمشه‌ی او یافتند و چیزی به زردی و سرخی روی آن نوشته شده بود، به‌عنوان مدرک سحر و جادو تلقی کردند و فرمان قتل او را صادر کردند (همدانی، ۱۳۳۸: ۲/ ۷۸۷).

براساس گزارشات منابع عصر ایلخانی، از عصر غازان به بعد، در یارغوها صورت جلسه‌ای تنظیم و گزارش محاکمه به نام «یارغونامه» نوشته می‌شد. در یارغویی که در عصر غازان خان برای امرای مقصر و فراری از میدان جنگ به سرزمین‌های مصر تشکیل شد، صورت جلسه‌ی یارغو تحت عنوان یارغونامه را نزد غازان خان بردند و او نکته‌های لازم را تذکر داد و یارغوچیان آن نکته‌ها را رعایت می‌کردند (همدانی، ۱۳۳۸: ۱۲۴). نگارش یارغونامه در پایان محکمه‌ی یارغو، مدرکی دال بر خاتمه یافتن دعوی بود؛ زیرا براساس این یارغونامه که به طرف‌های دعوی داده می‌شد، اگر هریک از طرفین دوباره دعوی می‌کرد، براساس یارغونامه به او پاسخ می‌دادند و دعوی‌اش اعتماد و اعتبار نداشت (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۲/ ۳۱).

۷. نتیجه‌گیری

یارغو محکمه‌ای مربوط به سنت‌های قضایی مغولان بود که از صحراهای آسیای شرقی، همگام با هجوم مغولان، به ایران وارد شد. با وجود تغییرات کارکردی یاسا در عصر ایلخانان و کم‌رنگ شدن نقش یاسا در جامعه‌ی عصر ایلخانی، محکمه‌ی یارغو که اساس قضاوت در آن یاسا بود، به‌عنوان ابزاری در اختیار حاکمان ایلخانی قرار گرفت تا با آن، دشمنان و رقیبان خود را از عرصه حذف کنند. با این تفاسیر، این سنت قضایی همچون سایر انگاره‌های فرهنگی مغولان، در تعارض و چالش با فرهنگ و سنن ایرانی دوام نیلورد و خیلی زود و در زمانی اندک بعد از سقوط ایلخانان و در عصر تیموریان، از نظام قضایی ایران رخت برپست. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این محکمه بیشتر در مورد مسائل

سیاسی، مالی و گاهی اجتماعی، بسته به نظر ایلخان، وزیران و فرماندهان بلندپایه تشکیل می‌شد و در این محکمه، افرادی با عنوان یارغوچی قضاوت می‌کردند. وظیفه‌ی یارغوچیان فقط داوری و قضاوت در محکمه‌ی یارغو بود. یارغوچیان به سه شیوه به این منصب گماشته می‌شدند؛ نخست انتصاب از سوی پادشاه برای مدتی خاص، دوم به صورت موروثی و سوم فقط برای داوری در یک محکمه‌ی خاص. از آنجا که یارغو نوعی دادگاه نظامی بود، یارغوچیان نیز در بیشتر موارد از میان امرای نظامی انتخاب می‌شدند و پادشاه و شاهزادگانی هم که گاهی اوقات یارغوچی می‌شدند، به نوعی فرماندهی نظامی بودند. منصب یارغوچی مختص قوم مغول بود و افراد غیرمغولی نمی‌توانستند به این جایگاه منصوب شوند. یارغوچیان افرادی بودند که بدون گذراندن دوره‌ی خاص یا شاگردی کردن و تنها براساس تسلط بر یاسای چنگیزی، به یارغو می‌نشستند و حکم صادر می‌کردند. اثبات جرم در محکمه‌ی یارغو براساس شواهد بود که به سه شیوه‌ی شهادت شهود، اعتراف و ارائه‌ی اسناد نوشتاری صورت می‌گرفت. هرچند شیوه‌های اثبات جرم در محکمه‌ی یارغو همان شیوه‌ی محاکمه و اثبات ادله در محاکم شرعی اسلامی با اندکی تفاوت در عمل بود، محکمه‌ی یارغو این شیوه‌ها را از محاکم اسلامی نگرفته بود. پادشاه باید حکم‌های یارغوچیان در یارغوهای مهم (در مورد وزیران، شاهان و ارتباط با مصر) را تأیید می‌کرد.

منابع

- اشپولر، برتولد. (۱۳۷۲). **تاریخ مغول در ایران**. ترجمه‌ی محمود میرآفتاب. چ ۵. تهران: علمی فرهنگی.
- برفروخت، رزگار. (۱۳۹۱). «تغییرات کارکردی یاسا در دوره‌ی مغولان اولیه و ایلخانان». **فصلنامه‌ی پژوهش در تاریخ**. س ۲. ش ۶. صص ۵۱-۶۸.
- [بی‌نا]. (۱۳۵۵). **تاریخ شاهی کرمان قراختانیان**. تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- جوینی، علاءالدین محمدبن محمد. (۱۳۸۷). **تاریخ جهانگشای جوینی**. به کوشش احمد خاتمی. چ ۱. تهران: علم.

- حافظ ابرو. (۱۳۵۰). *ذیل جامع‌التواریخ رشیدی*. به کوشش خانابابا بیانی. چ ۲. تهران: انجمن ملی.
- حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۶۲). *دیوان حافظ*. تصحیح پرویز ناتل خانلری. ج ۱. چ ۲. تهران: خوارزمی.
- خاتمی، سید احمد. (۱۳۸۰). *شرح مشکلات جهانگشای جوینی*. چ ۲. تهران: پایا.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۲۵). *فرهنگ و لغت دهخدا*. زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی. ج ۴۳. تهران: سیروس.
- رجب‌زاده، هاشم. (۲۵۳۵). *آیین کشورداری در عهد وزارت رشیدالدین فضل‌الله همدانی*. تهران: توس.
- سعدی، ابومحمد مصلح‌الدین بن عبدالله. (۱۳۴۰). *متن کامل دیوان شیخ اجل سعدی شیرازی*. به کوشش مظاهر مصفا. تهران: کانون معرفت.
- عمید، حسن. (۱۳۶۴). *فرهنگ عمید*. ج ۲. تهران: امیرکبیر.
- فضل‌الله شیرازی، عبدالله. (۱۳۷۲). *تاریخ تحریر و صاف*. به قلم عبدالمحمد آیتی. تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- قاشانی، ابوالقاسم عبدالله بن محمد. (۱۳۴۸). *تاریخ الجایتو*. به کوشش مهین همبلی. [بی‌جا]: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- لمبتون، آن. (۱۳۷۲). *تداوم و تحول در تاریخ میانه‌ی ایران*. ترجمه‌ی یعقوب آژند. تهران: نشر نی.
- مدبری، محمود. (۱۳۷۶). *فرهنگ لغات نثرهای فنی و مصنوع*. ج ۱. کرمان: خدمات فرهنگی کرمان.
- منشی کرمانی، ناصرالدین. (۱۳۶۲). *سمط‌العلی للحضرة‌العلیا در تاریخ قراختایان کرمان*. تصحیح عباس اقبال کاشانی. چ ۲. تهران: اساطیر.
- میرخواند، میرمحمودبن سید برهان‌الدین خاوند شاه بلخی. (۱۳۷۳). *روضه‌الصفاء*. تألیف، تهذیب و تلخیص دکتر عباس زریاب خویی. تهران: علمی.
- نخجوانی، محمدبن هندوشاه. (۱۹۷۶). *دستورالکاتب فی تعیین‌المراتب*. به کوشش عبدالکریم علی‌اوغلی‌زاده. ج ۲. مسکو: دانش شعبه‌ی ادبیات خاور.

- نطنزی، معین الدین. (۱۳۳۶). **منتخب التواریخ**. تصحیح ژان اوبن. تهران: کتابفروشی خیام.
- همدانی، رشیدالدین فضل الله. (۱۳۳۸). **جامع التواریخ**. به کوشش بهمن کریمی. تهران: شرکت نسبی حاج محمد حسین اقبال و شرکا.
- _____ . (۱۳۶۸). **تاریخ مبارک غازی**. به کوشش کارل یان. ج ۲. اصفهان: مهربان.
- یزدی، شرف الدین علی. (۱۳۸۷). **ظفرنامه‌ی یزدی**. تصحیح میرمحمد صادق و عبدالحسین نوایی. ج ۱. تهران: کتابخانه‌ی مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.